

ویژه نامه هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری ایران

همراه با گفتارها و یادداشت‌هایی از:
جعفر کوشا، نعمت احمدی، وحید نصیری اوانگی
محمد رضا نظری نژاد، صالح نقره کار

رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران:

اهمیت استقلال وکیل در حوادث اخیر بیشتر برای مردم روشن شد



عباس طهماسبی زاده
روزنامه‌نگار

هفتم اسفند سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری بهانه‌ای شد تا با دکتر جعفر کوشا، حقوقدان، استاد دانشگاه و رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران در مورد آخرین وضعیت آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا، مشکلات پیش آمده با اجرای قانون طرح تسهیل، مسوولیت اجتماعی وکلاد در قبال حوادث اخیر، اقدامات صورت گرفته برای آزادی وکلای بازداشت‌شده و نامه‌نگاری با روسای قوا برای حذف تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری گفت‌وگو کنیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، وظیفه تدوین بخشنامه و آیین‌نامه‌های مرتبط با وکلای ابر عهده خود کانون گذاشته است. چه عاملی موجب ورود قوه قضاییه و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ای برای وکلادون همکاری این صنف شد؟

از سال ۱۳۳۳ که لایحه قانونی استقلال کانون وکلا تصویب شد، این قانون مبنای عملکرد ما بوده است. همانطور که شما به درستی اشاره داشتید، در ماده ۲۲ این قانون آمده که نهاد وکالت باید آیین‌نامه، دستورالعمل و شیوه‌نامه‌های مرتبط با این صنف را تدوین کند. در آنجا گفته بود تنظیم آیین‌نامه با نهاد وکالت و تصویبش به عهده وزیر دادگستری است. در سال ۱۳۳۴، یعنی یکسال پس از تصویب لایحه قانونی استقلال، این آیین‌نامه نوشته شد و به تصویب وزیر دادگستری رسید. پس از آن دیگر موضوع محثومه شد و دیگر قرار نبود آیین‌نامه تغییر کند، چرا که وقتی قانون ثابت است، قاعدتاً نیازی به تغییر آیین‌نامه اجرایی آن هم نیست. از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۸۸ آیین‌نامه مربوطه هیچ تغییری نکرد و این نشان می‌دهد که آیین‌نامه نیازی به تغییر نداشته است. با این حال در زمان ریاست مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی آیین‌نامه جدیدی نوشته شد و به امضای ایشان نیز رسید. به دلیل اینکه طبق قانون خود نهاد وکالت می‌بایست آیین‌نامه را تنظیم و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رساند، ترتیبات قانونی رعایت نشده و این مسأله از سوی کانون‌های وکلا به ایشان اعلام شد. آقای شاهرودی که آدم منصفی بود وقتی متوجه این مسأله شد، دستور توقف اجرای آیین‌نامه را به مدت شش ماه صادر و تمدید کرد تا اینکه دوره ایشان تمام شد. بعد که آقای آملی لاریجانی آمد، ایشان هم اراده‌ای برای صدور یا اجرای آیین‌نامه جدید نشان ندادند. تا اینکه آقای ریسی، رئیس قوه قضاییه شد و آن جریان دوباره شروع به فعالیت کرد تا حرف خود را کرسی بنشاند.

من آن زمان در کانون مرکز نایب‌رئیس بودم؛ چند بار به ما پیشنهاد دادند که آیین‌نامه‌ای بنویسیم. موضع ما این بود که نیازی به این کار نیست اما آنها اصرار داشتند که حتماً این اتفاق بیفتد. آنها می‌گفتند که از زمان تصویب آیین‌نامه اجرایی ۶۴ سال گذشته که زمان کمی هم نیست، چرا تغییر نمی‌دهید. ما می‌گفتیم مرور زمان دلیل قانع‌کننده‌ای نیست و قانون مدنی و بسیاری دیگر از قوانین مادر بیش از ۸۰ سال از زمان تصویب آنها گذشته و نمی‌شود هر لحظه تغییرشان داد. نهایتاً ولی به‌رغم مخالفت کانون‌ها، در تاریخ ۲۸ اسفند سال ۱۳۹۸ در قوه قضاییه، آیین‌نامه مطول و مفصلی را نوشتند و به نهاد وکالت ابلاغ کردند. همان زمان یعنی در ایام نوروز سال ۱۳۹۹ جلسه فوق‌العاده‌ای در کانون مرکز برگزار شد و اعلام کردیم که آیین‌نامه مورد نظر به دلیل اینکه برخلاف ماده ۲۲ قانون استقلال، مقام تنظیم‌کننده و تصویب‌کننده‌اش قوه قضاییه است، قابل اجرا نیست. در هفتم یا هشتم فروردین ماه برخی از مدیران اسکودا و کانون مرکز از جمله آقایان شهبازی‌نیا، مالکی، امینی و بنده با معاون حقوقی قوه قضاییه جلسه‌ای داشتیم. ایشان آنجا گفتند آقای ریسی گفته حتماً باید این آیین‌نامه از ۱۶ فروردین ماه اجرا شود. ما گفتیم اگر اجرا نکنیم چه؟ گفتند در رابطه با مدیران اعلام تخلف می‌کنیم.

تماماً باید بر اساس آیین‌نامه جدید تصمیم بگیرد و اگر نگیرد دادگاه عالی انتظامی بر اساس آیین‌نامه اقدام خواهد کرد. عرصه را تنگ کردند و رصلاحیت‌ها را برای انتخابات هیات‌مدیره خیلی بالا بردند.

آیا برای اصلاح آیین‌نامه اجرایی با تیم جدید دستگاه قضایی نیز وارد مذاکره شدید؟

بله، به مسوولان قوه قضاییه گفتیم موارد اختلافی احصا و درباره آن بحث کنیم تا به یک راهکار مشترک برسیم. در این خصوص با معاونت حقوقی قوه قضاییه صحبت کردیم و موافقت شد. مثلاً در مورد ماده ۴۸ آیین‌نامه قرار شد دادستان و رئیس دادگستری به جلسه نیایند و پروانه کار آموزی را امضا نکنند. در این مدت اقدامات خیلی خوبی صورت پذیرفته و راضی هستیم و منتظریم موارد اصلاحی آیین‌نامه که با تاخیر نزد آقای‌ها رفته، امضا و ابلاغ شود.

با توجه به تاخیر در امضا و ابلاغ اصلاحیه مدنظر کانون‌های وکلا، آیا تضمینی وجود دارد که اصلاحات مدنظر کانون‌ها عیناً رعایت شود؟

معاونت حقوقی قوه قضاییه اصلاحات پیشنهادی ما را تایید کرده و خود این مسأله خیلی مهم است. ناظر ما در قانون بر اساس آیین‌نامه و قانون طرح تسهیل، معاونت حقوقی قوه قضاییه است. این معاونت در حال حاضر رویکرد همدلانه‌تری نسبت به نهاد وکالت دارد. چرا که می‌دانند مادر تلاشیم تعامل را بیشتر کنیم و نمی‌خواهیم تقابل ایجاد کنیم. مسأله دوم این است که خود معاونت حقوقی به این نتیجه رسیده که آن موارد اشتباه است. نامه‌ای که برای آقای‌ها رفته، نامه معاونت حقوقی است و در حقیقت انتظار این است که رئیس دستگاه قضایی به معاونت حقوقی اش اطمینان داشته باشد.

برخی از وکلاد معتقدند که این آیین‌نامه اجرایی موجب شده که قوه قضاییه بیش از پیش به بهانه نظارت، در امور داخلی کانون دخالت کند و یکی از نمودهای آن رارد صلاحیت داوطلبان انتخابات هیات‌مدیره کانون مرکز مطرح می‌کنند. آیا مسائلی که بعضاً موجبات کاهش مشارکت وکلاد در امور مربوط به صنف را در پی دارد، خود نمی‌تواند باعث از بین رفتن استقلال کانون شود؟

این مسأله چندوجهی است و باید همه ابعاد آن در نظر گرفته شود. مادر درجه اول مسوول صیانت از موجودیت کانون‌ها هستیم. اگر موجودیت کانون‌ها به مخاطره بیفتد، استقلال معنایی دارد؛ مثلاً اگر کانون‌ها منحل شوند و انتخابات برگزار نشود و خودشان یک سرپرست بگذارند خوب

همانطور که می‌دانید طبق ماده ۲۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، اگر هیات‌مدیره هان نسبت به مواردی که قانونی به آنها ابلاغ می‌شود، اقدامی نکنند از طریق دادستانی کل پرونده‌شان به دادگاه انتظامی قضات می‌رود.

آیا خواهان جلسه حضوری با رئیس وقت قوه قضاییه نشدید؟
از آقای مصدق خواستیم از آقای ریسی وقت بگیرند تا با ایشان صحبت کنیم. بعد از تعطیلات عید این اتفاق افتاد. در آن جلسه ایشان گفتند موضوع چیست؟ گفتیم آیین‌نامه‌ای تهیه کرده و به ما داده‌اند و می‌گویند تصویب شده و باید اجرا کنید ولی فرآیند قانونی آن طی نشده است. گفتند چه می‌خواهید؟ گفتیم مهلت می‌خواهیم که آن را بررسی کنیم تا آنهایی که مورد نظرمان است را قبول و آنهایی که نیست را رد کنیم. گفتند حرف منطقی و درستی است و این قضیه را پایه‌گذاری کردند که دوباره روی قضیه کار کنیم. بعد از این جلسه یک کمیته متشکل از کانون‌های سراسر کشور در اسکودا تشکیل شد تا با نیت و منویاتی که نهاد وکالت دارد آیین‌نامه را بررسی کند.

اعضای کمیته شامل چه اشخاصی بود؟
آقایان سلیمانی، شریانی، طاهری‌نسب، مالکی، خواجه‌پور، زاهدیان و کمیلی از کانون‌های گلستان، آذربایجان شرقی، خوزستان، مرکز، کرمان و خراسان اعضای کارگروه بودند که در نهایت آیین‌نامه‌ای را که دستگاه قضایی در بیش از ۲۰۰ ماده نوشته بود، در ۱۷۰ ماده تنظیم کردند. بعد از تایید آیین‌نامه از سوی کانون‌های وکلا، آن را به قوه قضاییه ارایه و تاکید کردیم که اگر ایرادی به متن دارید به ما برگردانید تا ما اصلاح کنیم. بر این اساس معاونت حقوقی، ایراداتی را به متن وارد کرده و آن را به ما بازگرداندند و ما اصلاح کردیم.

اصلاحات شما اعمال شد؟
خیر، مشکلی که پیش آمد این بود که بعد از انجام اصلاحات، آنها همان متن پیش از اصلاح را دوباره پیش‌رئیس قوه قضاییه بردند که آقای ریسی روز آخر حضور در دستگاه قضایی، آن آیین‌نامه را امضا کرد که موجب پدید آمدن برخی اشکالات شد. لذا یک هیات عمومی تشکیل دادیم و گفتیم که آیین‌نامه اجرایی به دلایلی که آن را احصا کردیم، قابلیت اجرا ندارد. اگر دوستانه مسأله را حل می‌کردیم خیلی بهتر بود تا اینکه امضا کنند و بگویند اجرا کنید و اگر اجرا نکنید شمارات تحت تعقیب قرار می‌دهیم.

تبعات عدم اجرای این آیین‌نامه چه بود؟
انتخابات هیات‌مدیره کانون یزد را باطل کردند، به کانون مرکز فشار آوردند و به دادگاه‌های انتظامی گفتند که در روند برگزاری انتخابات هیات‌مدیره

است؟ یک‌سری مسائل در درون است که ما می‌بینیم اما کسانی که در بیرون هستند همه چیز را نمی‌بینند. البته تا حد امکان سعی می‌کنیم با منتقدان گفت‌وگو و آنها را از شرایط آگاه کنیم.

■ یکی از نقدهایی که از سوی فعالان صنفی مطرح می‌شود این است که اسکودا در موضوع قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار ورود جدی نداشت و منافع جامعه را در نظر نگرفت.
با توجه به اینکه اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران از کانون‌های مختلفی شکل گرفته که هر کدام‌شان در محل استقرار استان‌شان با نمایندگان مجلس آن استان تعامل دارند، آیا‌ا‌ا توان علمی و رابطه‌هایی که با نمایندگان دارند، در جهت تصویب قوانین مترقی و حافظ حقوق شهروندان استفاده می‌کنید؟

اینطور نیست. مادر اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران، امور پارلمانی داریم و استان‌ها هم امور پارلمانی دارند و با تمام نماینده‌های تاثیرگذار در ارتباط بودیم و هستیم. یکی از مشکلات این بود که این طرح در کمیسیون تخصصی بررسی نشد. یعنی کسانی که پشت این طرح بودند، آن را توسط کسانی مطرح کردند که در این زمینه تخصص نداشتند. این طرح تسهیل را به کمیسیون جهش تولید بردند در حالی که چنین موضوعی می‌بایست در کمیسیون تخصصی حقوقی مورد بررسی قرار می‌گرفت. از قضا م‌ا اقدامات زیادی در آن ایام انجام دادیم و حتی در کمیسیون جهش تولید شرکت و با آقایان خاندوزی، حسینی و زنگنه صحبت کردیم که چرا مسالهای به این مهمی در اینجا مطرح می‌شود. هر چه گفتیم و کالت کسب و کار نیست و یک منزلت، منصب و شأن است و شغل و حرفه نیست و مانند منصب قضاوت است، استدلال‌های ما اثر نکرد، چون یک برنامه از پیش تعیین شده در میان بود و می‌خواستند این طرح را تحت هر شرایطی تصویب کنند. همان زمان طرح دیگری آوردند که موسسات و شرکت‌های خصوصی می‌توانند نمایندگان حقوقی داشته باشند که مجدداً رقتیم با نمایندگان صحبت کردیم و گفتیم که چنین چیزی درست نیست و تبعات دارد. به نظر من این طرح‌ها به جای اینکه عامل تحکیم نظام و تضمین حقوق ملت باشد دقیقاً عکس آن عمل می‌کند، ما آینده را می‌بینیم؛ ۲۰ سال آینده این وکلا کجا می‌خواهند مشغول شوند و بازار کارشان کجاست؟ همین حالا تعداد قابل توجهی از وکلای مایبکارند و نمی‌توانند حتی تمدید پروانه کنند و پول این کار را ندارند و بعضاً ناچاری در شرکت‌های حمل‌ونقل اینترنتی یا شرکت‌هایی کار می‌کنند که ماهی پنج، شش میلیون حقوق ثابت می‌گیرند.

■ در رابطه با طرح جدید جرم‌انگاری اظهار نظر افراد مشهور در فضای مجازی پیش از اعلام مقامات رسمی که اکنون در فضای مجازی زیاد به آنها پرداخته می‌شود، آیا نسخه‌ای از آن را در اختیار شما قرار داده‌اند یا برنامه‌ای برای رایزنی با نمایندگان مجلس جهت عدم تصویب آن دارید؟

خیر، در این خصوص چیزی به ما جهت بررسی و اعلام نظر ارایه نکرده‌اند. در اتحادیه برای چنین موضوعاتی در روزهای چهارشنبه جلسات نقد و بررسی برگزار می‌شود و نظرات‌مان را در خصوص مسائل روز جامعه بیان می‌کنیم

■ در حوادث اخیر شاهد بودیم که جامعه وکلادر حوزه مسوولیت اجتماعی، جزو پیشگامان بود. این را هم دیدیم که برای عموم مردم مهم بود که آیا در روند رسیدگی به اتهامات بازداشت‌شدگان، فرد متهم وکیل دارد یا خیر یا وکیل انتخاب‌شده جزو وکلای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری است. شما چندین بار در مورد تبصره ماده ۴۸ با روسای قوا نامه‌نگاری کردید. این نامه‌نگاری‌ها به چه نتیجه‌ای رسید و شما به عنوان رییس اتحادیه برای لغو آن چه کاری کردید؟

باید از دو منظر به این مساله نگاه کرد؛ یکی اینکه اولاً چون قانون است، قوه قضاییه می‌گوید باید قانون را اجرا کند و از طرف دیگر خود قوه قضاییه می‌تواند در جاهایی از منافذ این قانون استفاده کند. در تبصره ماده ۴۸ که در سال ۱۳۹۴ عملیاتی و اجرایی شد، در صدر ماده که یک ماده خیلی مترقی است عنوان شده که در تحقیقات پلیسی می‌توانیم وکیل اختیار کنیم که خیلی خوب است، آمدند یک استثنا زدند که کشور‌های دیگر مثلاً اگر اعمال تروریستی انجام گیرد یا جرایم سازمان‌یافته، جرایم امنیت و مانند اینها باشد چه کار می‌کنند؟ قبل از اینکه این تبصره ماده اصلاح شود قرار بر این شده بود که اجازه دهند در این پرونده‌ها این محدودیت زمانی را ایجاد کنیم و بعد حضور وکلا آزاد شود و وقتی این مصوبه به شورای نگهبان رفت، این شور‌ا اعلام کرد اگر بعداً افشای اسرار و انتشار اسناد محرمانه توسط وکیل انجام گیرد چگونه باید عمل کنیم؟ راهکاری که پیدا کردند این بود که گفتند ورود وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ممنوع شود. این نکته بسیار مهمی است که متاسفانه اکنون این مساله به دادگاه هم تسری داده شده است و بنده در نامه‌نگاری‌هایم نیز به این

موضوع اشاره کردم که متن تبصره صراحت دارد که این محدودیت در مرحله تحقیقات مقدماتی است و در دادگاه، اعاده دادرسی و حتی در دیوان عالی کشور هیچ معنی نباید داشته باشد. قوه قضاییه از یک طرف می‌گوید وکلای مورد اعتماد ندارد و تعداد این پرونده‌ها زیاد است و نمی‌دانم به چه کسانی بدهم و نمی‌خواهم هر وکیلی را در این پرونده‌ها وارد کنم چرا که برخی وکلا با رسانه‌های خارجی مصاحبه می‌کنند و این اسناد و مدارک افشا می‌شود و از طرف دیگر می‌گوید این قانون است و باید اجرا کنم. البته اقدامات ما صرفاً در حد نامه‌نگاری با رییس قوه قضاییه نبوده و حتی با رییس جمهور نیز مکاتبه کردیم که موضوع به معاونت حقوقی ریاست جمهوری آقای دهقان ارجاع شد و نماینده ایشان به اسکودا آمد و صحبت کردیم تا موضوع از طریق مجلس پیگیری شود. طبق اطلاع واصله در لایحه اصلاحیه جدید قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که این تبصره حذف شود.

■ با توجه به اینکه طبق قانون این محدودیت صرفاً در مرحله تحقیقات مقدماتی است، آیا گزارشی از اعمال این تبصره در مرحله رسیدگی و دادگاه‌ها به مسوولان قوه قضاییه ارایه کرده‌اید؟

بله اطلاع داده شده که برخی از شعبات دادگاه انقلاب تهران صرفاً وکلای تبصره ماده ۴۸ را می‌پذیرند و برخی شعب دیگر نیز می‌گویند وکلای غیر تبصره‌ای اشکال ندارد.

■ لیست وکلای تبصره ماده ۴۸ مشخص است؟

اسامی وکلای مربوط به این موضوع از طریق حفاظت اطلاعات قوه قضاییه برای مراجع قضایی ارسال می‌شود اما اسامی آنها منتشر نمی‌شود.

■ به‌طور مثال آقای کوشا از کجا می‌تواند متوجه شود که نام او در این لیست قرار دارد یا خیر؟

وکلایه شعب مراجعه می‌کنند و آنجا متوجه می‌شوند که نام آنها در لیست قرار دارد یا خیر.

■ نسبت به وکلای تبصره ماده ۴۸ شناختی دارید؟

بیشترشان قضات‌بازنشسته‌اند.

■ از نحوه عملکردشان در دادگاه‌ها و دفاع از حقوق متهم نیز اطلاعی دارید؟

از قریب‌ن چنین بر می‌آید که توفیق نداشته‌اند، چون موکلان‌شان عمده‌تا محکوم‌شده‌اند.

■ آیا شکایتی از نحوه عملکردشان به دادسرای انتظامی کانون شده‌است؟

در دادسرا و دادگاه انتظامی کانون بررسی نمی‌شود؛ به خاطر اینکه می‌گویند وقتی شعبه تعیین کرده من هم وکیل شدم و دارم دفاع می‌کنم و موکل می‌تواند مرا انتخاب نکند. در واقع هیچ راهی برای موکل ایجاد نمی‌کند. به نظرم برای رعایت حقوق مردم، منافع عمومی و حقوق دفاعی آنها در جرایمی که صرفاً قانونگذار مشخص کرده، باید مدتی را تعیین کنیم که باز پرس تلاش کند مدارک مربوطه را در آن مدت زمان جمع‌آوری کند و بعد از آن اجازه دهند هر وکیلی بتواند برای دفاع از حقوق متهم و کالت او را برعهده گیرد و آن وکیل را کنترل کنند. می‌گویند وکلا می‌روند با رسانه‌های خارجی مصاحبه می‌کنند، خب شما اجازه این کار را به او ندهید و اگر در مصاحبه افشای راز کرد با و مطابق قانون رفتار کنید.

■ برای اعتراضات، کمیته‌ای در اسکودا تشکیل دادید تا به خانواده بازداشت‌شدگان و افرادی که نیاز به مشورت حقوقی دارند، کمک شود. تعداد مراجعین به اتحادیه چه میزان بوده و چه کمک‌هایی کردید؟

در اتحادیه یک کارگروه حقوق بشر داریم که کمیته‌ای تحت عنوان «وکلای در معرض خطر» تشکیل داده‌اند و وکلایی که پرونده‌هایی امنیتی دارند و مشکل پیدا می‌کنند، به اینجا می‌آیند و کمک‌شان می‌کنیم.

■ چه کمکی می‌کنید؟

با آقای محسنی‌اژه‌ای هماهنگ کردیم و تمام وکلای بازداشتی را به ایشان اطلاع می‌دهیم تا ببینند چه وکلایی و به چه اتهامی و در کدام بازداشتگاه هستند

■ چند وکیل بازداشتی را معرفی کردید؟

استان به استان فرق می‌کند؛ مثلاً در قزوین ۶ نفر بازداشت و سپس آزاد شدند و دوباره چند نفر دیگر را گرفتند. تعداد نداریم. خودم به روسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌ها خیلی زنگ می‌زنم و تر تیبات آزادی وکلا را فراهم می‌کنیم و با وثیقه آزاد می‌شوند. روش دوم مکالمه مستقیم با مقام قضایی مربوطه است. روش سوم این است که به کانون استان‌ها ماموریت می‌دهیم که موضوع را پیگیری کنند. اقدام چهارم نیز این است که خانواده‌های وکلای بازداشتی را به اتحادیه دعوت می‌کنیم و مشاوره‌های لازم را به آنها می‌دهیم و آمادگی خود را برای ارایه هرگونه کمک از جمله گرفتن وکیل به آنها اعلام و حمایت‌شان می‌کنیم.

روش بعدی این است که نشست‌هایی برگزار و وکلای بازداشتی که آزاد شده‌اند را دعوت می‌کنیم تا تجربیات خود را در اختیار سایر وکلا قرار دهند؛ در این رابطه کمیته علمی تشکیل داده‌ایم تا بتوانند در مورد پرونده‌های علیه امنیت، عناصر جرم و نحوه دفاع مستندسازی کنند.

■ در فضای مجازی اینگونه مطرح شده که برخی از وکلا به دلیل دفاع از موکل بازداشت شده‌اند، آیا این مساله را تایید می‌فرمایید؟

در مورد یکی از متهمان سیاسی اخیر که قصد مراجعه به دادسرای اوین را داشته است، این مساله مصداق دارد. وقتی ایشان بازداشت می‌شود، وکلای همراه ایشان نیز هم‌زمان بازداشت می‌شوند. این افراد به خاطر کار و کالت‌شان دستگیر شده و حرفی نزده بودند و مدت‌ها در بازداشت به سر می‌پردند.

■ رییس قوه قضاییه یاد دیگر مقامات قضایی در جلساتی که با آنها داشتید در خصوص بازداشت وکلا چه می‌گویند و آیا توضیح داشتند؟

می‌گویند در برخی صحنه‌ها که افرادی شعار سر داده یا شلوغ می‌کردند، این افراد بازداشت شده‌اند. ما اکنون پرونده سه دسته از وکلا را پیگیری می‌کنیم؛ یک دسته وکلایی هستند که در صفحات اجتماعی خود در فضای مجازی مطالبی منتشر می‌کنند که در خصوص اتهام آنها گفته می‌شود که مرتکب تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب شده و بازداشت می‌شوند. دسته دوم وکلایی هستند که در مقام دفاع از موکل‌شان بازداشت می‌شوند و یکسری از وکلانیز وجود دارند که خودشان مرتکب جرم می‌شوند. مادر مورد مردم که بازداشت شدند، از طریق کانال‌های اسکودا اعلام کردیم که اگر به وکیل نیاز داشته باشند، می‌توانند به کمیته ما مراجعه کنند و ما وکیل در اختیارشان می‌گذاریم که این امر در سطح کشور در حال انجام است.

■ آیا در میان وکلایی که به مردم معرفی می‌کنید وکیل تبصره ماده ۴۸ وجود دارد؟

ما وکیل تبصره ماده ۴۸ نداریم و آنها هم با ما ارتباطی ندارند. همکاران ما از فعالان حقوق بشری هستند که عشق این کار را دارند؛ کسانی مثل آقای ریسیان، نقره کار، فقیهی، نصراللهی، حمزه، کامفیروزی و… که اگر نیازی به خدمات و کمک آنها باشد دریغ نمی‌کنند. بحثی هم داریم در رابطه با وکلایی که برای پیگیری امور بازداشتی‌ها به مشکل خورده‌اند. مثلاً به آنان گفته شده به دادگستری نیایند یا وکالت نگیرند. به این وکلا گفتیم که در نامه‌ای به ما این موضوعات را اطلاع دهند تا از طریق رییس قوه قضاییه با روسای دادگستری‌ها صحت این موضوعات و نحوه برخورد با آنها را پیگیری کنیم. برای بررسی این موضوعات هر چهارشنبه یک‌بار جلسه برگزار و یکی یکی آنها را بررسی می‌کنیم.

■ آیا همجه به کانون‌های وکلا به دلیل دفاع از بازداشت‌شدگان اخیر صحت دارد؟

بله، هم کانون و هم وکلا. می‌گویند اینکه می‌گویید از بازداشت‌شدگان حمایت می‌کنیم، خودش یک نوع اغتشاش است در حالی که فلسفه وکیل، دفاع از موکل و حقوق او است. مثلاً اگر کسی سرقت کرده باشد وکیل می‌گیرد چون متهم به سرقت است. قبول و کالت یک متهم به سرقت به این معنا نیست که ما طرفدار سرقتیم. این حقی است که در قانون برای او در نظر گرفته شده. ما نمی‌گوییم که فرد مورد نظر مثلاً سرقت نکرده، ما می‌گوییم هنوز معلوم نیست که این اتفاق افتاده، اگر هم اتفاق افتاده باشد، تلاش می‌کنیم قانون به شکل عادلانه دربارہ او اجرا شود. مثلاً اگر به موجب قانون امکان گرفتن تخفیف برای او باشد، در این زمینه تلاش می‌کنیم. حتی قائلان هم به موجب قانون حق داشتن وکیل دارند به بسیاری از وکلایی که بازداشت شده بودند، گفته‌اند در مطالب‌تان در فضای مجازی نحوه دفاع در پرونده‌ها را یاد می‌دهید که مثلاً حق سکوت و حق وکیل دارید و این آموزش در جهت دفاع از حقوق افراد اغتشاشگر است.

■ و سوال پایانی. چرا هنوز روز وکیل در تقویم رسمی کشور به ثبت‌نر سیده‌است؟

ما برای روز هفتم اسفند که روز استقلال کانون وکلا است همیشه انتظار داشتیم این روز در تقویم بیاید. آقای روحانی که خودش وکیل است و پروانه و کالت دارد، زمانی که رییس‌جمهور بود در یکی از مراسم‌های جشن استقلال کانون وکلا گفت این روز را در تقویم می‌آورم؛ ولی هشت سال که رییس‌جمهور بود نتوانست این کار را کند و دلیلش این بود که وزارت ارشاد و شورای فرهنگ عمومی می‌گویند اگر برای وکلا یک روز مستقل در تقویم در نظر بگیریم، باید برای همه حرفه‌ها هم یک روز بگذاریم. در حالی که حمایت از وکیل حمایت از حقوق مردم است و باید قانون و حاکمیت قانون ارج و قرب داشته باشد. تنها نهادی که استقلال و دموکراسی در آن است و انتخابات در آن برگزار می‌شود و مبنای قانونی دارد و خیلی قدیمی هم هست نهاد و کالت است. از این رو معتقدیم حتماً باید روز وکیل مدافع در روز هفتم اسفند در تقویم به ثبت برسد.

کانون و کلا؛ از نهاد صنفی تا نهاد مدنی



وحید نصیری او انکی

رییس کانون وکلای دادگستری البرز

از آنجا که دفاع از حق، رسالت اصلی و کلا است، کانون های وکلای دادگستری باید برای حل بسیاری از مشکلات قانونی و اجتماعی از انحصار خارج و به اتحاد کامل برسند. کانون های وکلای، نهادهای صنفی و مدنی هستند و از رهگذر حقوق شهروندی و حقوق بشر می توانند به نحو شایسته به ایفای مسوولیت های اجتماعی خود بپردازند. صدا البته که این امر، جز با استقلال کامل کانون های وکلا میسر نمی شود و لازمه تثبیت استقلال کانون ها تعامل با قوه قضاییه و مجلس است. هر چند که استقلال کانون و کلا در ادوار مختلف دستخوش نامهربانی برخی نهادهای حاکم قرار داشته است اما عملکرد اغلب کانون هادر مسیر تنش زدایی با دستگاه حاکم بوده است. کانون های وکلای به وظیفه اصلی و خطیر خود که همانا دفاع از حقوق ملت است واقف هستند و به خوبی دردها و مشکلات مردم و همچنین راه برطرف کردن آنها را می دانند؛ اما بر واضح است که عمل به این تکلیف جز با همراهی و اعتماد سازی از سوی قوه محترم قضاییه و سایر ارگان های ذی ربط امکان پذیر نیست. در این میان اجرای اصول منصفانه و عادلانه در دادرسی هم یکی دیگر از موضوعاتی است که در آن حضور وکیل ضرورت دارد. دادگاه، نماینده حاکمیت است و هر چند دادستان به عنوان مدعی العموم حاضر است، اما در عمل تنها وکیل، نماینده مردم است. وکیل تنها کسی است که در کنار متهم می ایستد تا از تضییع حق او ممانعت کند. شغل و کالت از تباطؤ ناگستنی با حقوق ملت دارد، که اگر چنین نباشد نهاد و کالت تنها یک نهاد صنفی خواهد شد، و نه نهاد مدنی! کانون های وکلای استقلال وکلای خود برپا هستند. اگر وکیل در اظهار نظر و نقد از تصویب قوانین ناعادلانه مصونیت نداشته باشد، چگونه می تواند به درستی مدافع حقوق عامه مردم باشد؟ از طرفی کمیسیون های کانون وکلا که در زمینه های حقوق بشری و حقوق شهروندی فعالیت دارند و در تعامل و ارتباط مستقیم با مردم هستند، می توانند مطابق موازین قانونی مندرج در لایحه قانونی استقلال و قوانین مؤخر آن، پلی میان حاکمیت و مردم باشند؛ چرا که با جلب اعتماد دوسویه، جایگاه اجتماعی را باز خواهد یافت. در هر صورت انسان ها هیچ وقت ساکن نبوده و نیستند و همین طور به تبع گروهی زندگی کردن انسان ها، جوامع در حال رشد هستند و این رشد در همه ابعاد و شؤون آحاد جامعه جاری و ساری است. به خصوص در این زمینه نیاز های بشر روز به روز در حوزه های عدالت خواهی همراه با ترقی بوده که نقش نهادهای مدنی در این مقاطع بروز خواهد کرد. با این اوصاف باید گفت محدودیت هایی که پیش روی نهاد و کالت قرار داده شده، به قطع یقین با رشد جامعه و دگرگونی آن به آرامی کمرنگ خواهد شد، همانطور که انسان قرن بیست و یکم با انسان قرن بیستم در حوزه علوم انسانی قابل مقایسه نیست. لذا در زمانه های نزدیک تر با پیشرفت هایی که در حوزه های علوم اجتماعی شاهد هستیم و از طرفی عدالت خواهی و عدالت گستری جوامع خود می تواند عامل مهمی برای رشد و توسعه نهاد و کالت و از طرفی برطرف کردن محدودیت ها باشد و البته همانطور که در سال های اخیر هم اتفاق افتاده، سپردن یا به عبارتی اعتماد کردن به جوان های پر شور، خود می تواند مقدمه ای برای توسعه و رشد نهاد و کالت باشد. در این راه قطع به یقین وظیفه خطیری که بر عهده کانون ها است، در ابتدا وحدت در تصمیمات مربوط به حوزه های اجتماعی است و از طرفی اعتماد به تصمیم گیرندگان جهت ارایه برنامه های متنوع برای نقش آفرینی نهاد و کالت است. آنچه بیشتر به چشم می خورد، همین اقدامات تبلیغاتی در ابعاد مختلف در حوزه حقوق اجتماعی است. نکته مهم تر اینکه همه کانون ها به روابط عمومی قوی و کارآزموده نیاز دارند که با هماهنگی، مرکزیت و محوریت اسکودا بتوانند خط مشی های تعیین شده توسط تصمیم گیرندگان و تصمیم سازان نهاد و کالت را به خوبی توسط رسانه ها منتشر کنند. تعامل نهاد و کالت با قضا و ایجاد اعتماد فی مابین این دو بال فرشته عدالت، نقش سازنده و بسیار مفیدی می تواند در این زمینه داشته باشد که بدون شک به تلاش و همتی وافر نیازمند است که از طریق افراد متخصص در حوزه روابط عمومی باید این پیوند دوستی بین نهاد و کالت و قضاوت ایجاد شود.

تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری؛ قربانگاه عدالت



فریبا ساعد کوچ

وکیل دادگستری

«برخی وکلای اسرار نظام را حفظ نکرده اند» بهانه ای بود برای تصویب مصوبه ای که مسوولان اسبق، سابق و فعلی قضایی مخالف آن بوده و حتی از آن به عنوان ننگ قانون و وهن نظام قضایی یاد کرده اند اما هر یک به نوعی در استمرار آن نقش داشته و هنوز به دلیل قانونی بودن، خود را مکلف به اجرای آن می دانند. در سال ۱۳۹۲ که قانون آیین دادرسی کیفری به صورت آزمایشی تصویب و ابلاغ شده بود، قانونگذار برای اولین بار و در جهت تضمین حق دفاع متهم، با وجود آنکه حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی از جمله تحقیقات مقدماتی را به رسمیت شناخت، اما در تبصره ذیل ماده ۴۸ این قانون عنوان کرد که شخص تحت نظر در جرایم سازمان یافته، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، سرقت، مواد مخدر و... تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد. محمدعلی اسفندی که در زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی دوره نهم بود، در توضیح علت این امر گفته بود: «معمولا کشورها ملاحظاتی در موضوعات امنیتی خود دارند و ممکن است ضرورت پیدا کند که تحقیقات گاهی به صورت سری انجام شود. از این رو گفته شده بود که حداکثر یک هفته وکیل متهم حق ملاقات با وکیل را ندارد و طی این یک هفته تحقیقات سری انجام می شد و بعد از یک هفته متهم می توانست با وکیل ملاقات کرده و وکیل هم می تواند در جلسات تحقیق حضور پیدا کرده و از موکل خود دفاع کند.»

باتوجه به اینکه اصل ۳۵ قانون اساسی انتخاب وکیل از سوی طرفین دعوی را به رسمیت شناخته بود و تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری امکان ملاقات متهمان جرایم مذکور در آن تبصره با وکیل را ممنوع کرده بود، این امر مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. در جریان اصلاح آن تبصره، دیدگاهی که در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس وقت پررنگ بود، ممانعت از حضور برخی وکلای پرونده های امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی بود، چرا که به عزم خود تصور می کردند اگر در پرونده امنیتی به وکیل غیر قابل اعتمادی اجازه دسترسی بدهیم ممکن است از همین اطلاعات علیه نظام و مردم استفاده و به امنیت کشور آسیب بزند که در همین راستا موسی غضنفرآبادی، رییس پیشین دادگاه انقلاب که در زمان اصلاح تبصره

در خردادماه سال ۱۳۹۷، رسانه های اسامی ۲۰ وکیل مورد تایید دستگاه قضایی را منتشر کردند و چندی بعد لیست جدیدی منتشر شد. انتشار این اسامی کافی بود تا دستگاه قضایی مورداقتقاد گسترده جامعه حقوقی و صاحب نظران کشور قرار بگیرد. در لیست منتشر شده اسامی تعدادی از وکلای دادگستری کانون مرکز و تعداد از وکلای مرکز مشاوران قوه قضاییه دیده می شد که سابقه حضور در دستگاه عدلیه به عنوان قاضی را داشتند که می توان به رضا جعفری معاون دادستان اسبق تهران (سعدید مرتضوی)، عبدالرضا محبتی نماینده دادستان تهران در دادگاه های سال ۱۳۸۸، حسن تر دست، سیامک مدیر خراسانی و عزیز محمدی از قضات معروف دادگاه کیفری اشاره کرد. یکی دیگر از اسامی موجود در لیست مورداقتقاد قوه قضاییه جلیل مالکی از اساتید دانشگاه و عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری کانون مرکز بود که پس از انتشار لیست در مصاحبه ای اعلام کرد که «همان زمان که این تبصره به تصویب رسید جزو معترضان آن بودم و دلایل اعتراض خود را به صورت علمی و مفصل در همان زمان اعلام کردم لذا انتظار بود فردی که نسبت به اصل تبصره انتقاد علمی دارد در چنین لیستی قرار نگیرد اما متأسفانه بدون اطلاع من، نام بنده در لیست قرار گرفته است که درخواست حذف نامم را بنا به جهات مذکور دارم.»

آملی لاریجانی که در جایگاه قاضی قضایی خود را از منتقدان این مصوبه می دانست، در مقام دفاع از انتقادات مطرحه اعلام کرد که «آنچه دستگاه قضایی در زمان تصویب این قانون مطرح کرد این بود که چنین مصلحتی به نحوی رعایت شود اما به هیچ وجه پیش نهاد ما آنچه که نهایتاً در تبصره اصلاحی مذکور آمد، نبود و اینها به آن مخالف بودیم. این مخالفت را همان زمان هم اعلام کرده بودیم و حتی در ملاقات برخی از اعضای هیات مدیره کانون وکلای اینجانب، این مطلب به صراحت بیان داشتیم. سخن ما این بود که تبصره مورد بحث، مسوولیتی را به رییس قوه قضاییه واگذار می کند که نباید به این صورت وجود داشته باشد. تا مدت مدیدی نیز از اجرای آن طفره رفتیم اما این امر موجب شده بود که رسیدگی به برخی پرونده های امنیتی با این تبصره مواجه شود. نهایتاً برای رفع این انسداد ناگزیر از اجرای قانون شدیم. اگر کسی انتقادی به این موضوع دارد باید قانون را مورد انتقاد قرار دهد و انتقاد از مجری قانون صحیح نیست؛ چنانکه ما هم منتقد مفاد این تبصره هستیم. بنده به عنوان رییس قوه قضاییه تکلیف قانونی خود را که از سوی قانونگذار بر عهده ام نهاده شده اجرا کرده ام و مرجع تشخیص عدم مغایرت یک قانون با قانون اساسی نیز شورای محترم نگهبان است نه نظر کانون وکلای و نه هیچ نهاد دیگری و نه رییس قوه قضاییه. بنده حتی اگر این قانون را خلاف قانون اساسی می دانستم، نمی توانستم از اجرای آن استنکاف کنم.» در همان زمان مسوولان وقت اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) و کانون وکلای دادگستری مرکز در دیدار با روسای وقت قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دادند به عنوان راه حل کوتاه مدت و آتی، کل وکلای دارای پروانه تمدید شده به عنوان مصادیق تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام شوند و به عنوان راه حل درازمدت و آتی، طرح یا لایحه سه فوریتی یا دو فوریتی برای حذف تبصره به مجلس تقدیم شود. در فضای عمومی کشور که همگان منتظر اقدام مسوولان قضایی برای ارایه لایحه حذف تبصره ماده ۴۸ بود، نامه رییس قوه قضاییه در مرداد ماه سال ۱۳۹۷ برای استیذان از رهبرانقلاب در برخورد با خالگران نظام اقتصادی و پیشنهاد اینکه مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری باشد، تأمل برانگیز بود چرا که قاضی قضایی که مخالف استفاده از وکلای مورد اعتماد دستگاه قضایی بود، این بار خود محدودیت استفاده از وکلا را در مرحله دادرسی برای پرونده های اقتصادی مطرح کرده بود. رانت ایجاد شده برای برخی از وکلای و سواستفاده های آنان از این وضعیت و دریافت حق الوکاله های سنگین در پرونده های اقتصادی و همچنین اقدام روسای برخی از شعب دادگاه ها در جرایم امنیتی و عدم پذیرش وکلایی که اسامی آنها در لیست وکلای مورد تایید دستگاه قضایی نبود، موجب اعتراض مسوولان خود قوه قضاییه نیز شد به گونه ای که حجت الاسلام مصدق معاون اول فعلی قوه قضاییه و معاون حقوقی وقت این قوه در شهر بور ماه سال ۱۳۹۸ و در مراسم تحلیل کار آموزان و کالت گفت: «من به عنوان معلم زمانی که تبصره ماده ۴۸ اضافه می شد مخالف بودم. تبصره ماده ۴۸ ننگی برای قانون بود. من آن زمان سمتی نداشتم تلاش کردم ولی به ثمر نرسید. در مرحله بعد



یکی از استدلال های که برای تصویب تبصره ماده ۴۸ مطرح شد، این بود که برخی پرونده های امنیتی اسرار دارند و قرار بر این شد که وکلای خاصی بتوانند در این پرونده ها ورود کنند، یعنی وکلایی که مطمئن باشند از این رو متن تبصره به این شکل که «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه قضاییه اعلام می گردد.» از سوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اصلاح و مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت و مسوولیت اعلام اسامی وکلای مورد تایید دستگاه قضا بر عهده قاضی القضات گذاشته شد. حقوقدانان و وکلای دادگستری که از همان زمان تصویب این تبصره، نسبت به آن اعتراض داشتند، با برشمردن مغایرت های آن با قانون اساسی، موازین شرعی، فقهی و برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری بر اصلاح و حذف آن تأکید کرده و معتقد بودند که با این مصوبه، «حق برخورداری از وکیل» به عنوان یکی از حقوق مهم شهروندان و تضمین کننده دسترسی به عدالت و الزامات قضایی و منطقی آن در قانون اساسی کشور به عنوان قانون مادر، در قالب قانون عادی محدود شده است و با توجه به اینکه در پرونده های امنیتی، مدعی العموم و قاضی رسیدگی کننده منصوب قوه قضاییه و حاکمیت هستند، حال اگر وکیل هم در این پرونده ها مورد تایید دستگاه قضایی باشد، دیگر اثری از دادرسی منصفانه باقی نمی ماند. با وجود آنکه اصلاح تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید، اما به دلیل انتقادات صورت گرفته، رییس وقت دستگاه عدلیه حاضر نبود تا لیست وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه را اعلام کند تا اینکه برای اولین بار

کانون‌های و کلا بازتاب «وجدان عمومی» حقوقی

صالح نقره کار

حقوقدان و وکیل دادگستری



۱- کانون‌های و کلا آن‌گاه مردمی اند که نماینده وجدان عمومی از خاستگاه حرفه‌ای خود باشند. چشم جامعه به ارزیابی وجدان عمومی حقوقی است و از رهگذر این قوه فهمیه، ادراک حق و ناحق، خوب و بد و عدل و ظلم میسر می‌شود. جامعه می‌بندد وجدان حقوقی راجع به یک قانون، یک رفتار حکمرانی، یک برخورد پلیس، یک مجازات، چه کنش و واکنشی ابراز می‌کند و همان رامحک و معیار داوری‌ها قار می‌دهد.

۲- اگر وجدان عمومی حقوقی بیرنگ و کمرنگ و کرخت و بی تفاوت بود یا دغدغه‌های واقعی جامعه را واقعی نمی‌نهاد، شهروندان نمی‌توانند به معیار و میزان اطمینان بخشی اتکا کنند و لاجرم احتمال نگاه توده‌وار و نابخردانه دور از انتظار نیست. یک معیار توسعه هم اتکا به وجدان عمومی قوام یافته و پدیدار شده است که سره را از ناسره تمیز داده و مسوولانه، جامعه را به سمت خیر عمومی و منافع جمعی سوق دهد.

۳- مقوم وجدان عمومی، بزرگان و اساتید و معمرین خوشنام عالم حقوق هستند که «وجدان حقوقی عمومی» را نمایندگی می‌کنند. خاطره و حافظه تاریخی حقوقی ما فهرستی از متقدمین و متاخرین را به همراه خود دارد که در مواقع نیاز به آنها رجوع می‌دهد. دقیقاً مثل مقاله‌نویسی که برای موجه‌سازی استدلال خود و تبیین بنیه علمی نویسنده رجوعات را منسجم می‌سازد، وجدان حقوقی هم مکرر رجوع منقح شده را به رخ می‌کشد. اسناد به زنده‌یادان منصور السلطنه عدل و مستشارالدوله تبریزی تا مرحوم داور، سید حسن امامی، جعفری لنگرودی، متین دفتری، عراقی، ابوالقاسم گرچی، قاضی شریعت پناهی و استاد کاتوزیان دقیقاً همین آبخش‌نشات می‌گیرد و مشروعیت زاست.

۴- مستحسن بودن این اعتبار افزایی بنیه حقوقی به دلیل اثری است که بر قانون و هنجار می‌گذارد و برای آید و معدل فهم خواص حقوقی در ارزیابی هنجار و ساختار و رفتارهای حکمرانی و مردمان عصر است. بن‌مایه‌های عرفی سازنده قانون هنجارین و قدر متیقن وجدان عمومی از همین گفت‌وگوهای نخبگانی و اظهار نظرهای نمادها و وجدان جمعی صورت‌بندی می‌شود، یعنی وقتی نقل قول انتقادی از ناحیه بزرگان نسبت به یک گزاره می‌شود به مثابه دکتربین‌اثر بخش و سازنده حقوق، حجیت و اعتبار اجتماعی را قوام می‌بخشد.

۵- محور اصلی و مجرای شناخت جامعه از این قوه حکیمه و بالغه، کانون‌های و کلا هستند چرا که آوردگاه قضات بازنشسته، اساتید دانشگاه و حوزه، معمرین و کالت یک ذخیره برای وجدان حقوقی جامعه قلمداد می‌شوند. بزرگانی چون زنده‌یادان کاتوزیان، نوربها، آخوندی و سیدمحمدهاشمی در دوره حاضر وجدان عمومی زمانه را نمایندگی می‌کردند.

۶- به‌طور مثال مواضع دکتر کاتوزیان نسبت به استقلال قوه قضا و استقلال نهاد و کالت در سال ۱۳۸۸ همواره مصداق وجدان عمومی حقوقی جامعه تحلیل شده با اندازهای انتقادی استاد محقق داماد در تشخیص مصداق محاربه در وقایع اعتراضی سال ۱۴۰۱ چه‌رهای از وجدان جمعی ایرانی راثبت کرده است.

۷- کانون‌های و کلا امروز به بزرگانی متکی اند که وجدان عمومی حقوق ایران زمین هستند. سایه اساتید و معمرین بلندباد و بر ماست که حداکثر اتکا را به اعتبار و دانش و بینش و تجربه ایشان داشته باشیم. به عرصه عمومی کشانیدن اندیشه، مواضع و دغدغه‌های بزرگان حقوق وظیفه خیرخواهان حقوقی در جرگه کانون‌های و کلا است. پویایی اقتضای نهاد و کالت و رقابت‌ها در کانون‌ها باید به سمت تقویت حوزه عمومی حقوقی نخبه محور و نه مدیر محور سوق یابد.

۸- آفت کانون‌های و کلا «انتخابات زدگی افراطی» است. باید با تمرین‌های دموکراتیک انتخابات‌ها را در افاق توسعه مدنی بازبینی کرد. بزرگ کردن مدیران و کالت لزوماً و عملاً مشروعیت‌بخش و کالت نیست. آسیب‌شناسی رفتاری لازمه حرکت هدفمند کانون‌ها به سمت توسعه کیفی و دانش افزایی مدنی است. ما به مثابه یک نهاد مدنی دیرینه و پیشرو در ایران باید سرآمد دموکراسی و کیفیت‌گرایی و توسعه‌اندیشه محور و خیرخواهانه باشیم.

۹- سهم کانون‌ها از توسعه و اصلاح حقوقی اندک است. حرکت‌های ماتناثر از شعارهای بزرگ و میراث قویم استقلال‌گرایی نهاد و کالت در جرگه نهادهای مدنی ایران نیست. بهره‌گیری از وجدان عمومی حقوقی ایران و اتکا به بزرگان حقوق ضروری است. مگر در کشور چند نفر همچون استاد محقق داماد، دکتر آشوری، دکتر صفایی، دکتر ممتاز، دکتر ضیایی بیگدلی و دکتر محبی داریم؟ برای تقویت وجدان حقوقی، جامعه نهاد و کالت باید دست به کار شود.

۱۰- اول قدم هدف‌گذاری صحیح است. هدف کانون‌ها انتخابات فصلی و نوبه‌ای نیست. تعرفه دوساله مدیران برای کسب اعتبار و کالتی و منافع مالی برای عده‌ای، خط ویژه‌سالاری نیست. کانون‌های و کلا اولاً نهاد صنفی‌اند و دوم نهاد مدنی؛ با بدنه‌ای چندین هزار نفره که در سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف حضور داشته و خط مقدم رابطه با شهروندان هستند. اگر بتوانند با اتکا به اندیشه‌وران حقوقی کشور و وجدان عمومی حقوقی جامعه را شکل دهند می‌توانند در توسعه حقوقی و اصلاحات قانونی در کشور اثر بخش تر و بلکه میدان‌دار باشند و حاکمیت قانون و تکریم حقوق بشر را به عنوان مشق مسوولیت اجتماعی خود به‌سازواری ایفا کنند. به قول سعدی «چو گوهر بیست گو صدفش در جهان مباح؛ در یتیم را همه کس مشتری بود...»



ضرورت دسترسی به این حق مسلم در برهه کنونی ملموس‌تر از پیش شده است. حجت‌الاسلام نوروزی، عضو کمیسیون حقوقی قضایی مجلس یازدهم نیز یکی از منتقدان شرایط پیش آمده شد و با انتقاد از اینکه و کلا تبصره ماده ۴۸ قیمت‌های شان را بالا برده بودند، گفت: «اصولاً گرفتن وکیل حق یک متهم است. ما هم به و کلا انتخابی قوه قضاییه ماده ۴۸ معترض بودیم و قرار به اصلاح این مساله را داشتیم که نشد. حالا به نظر می‌رسد قوه قضاییه باید در این زمینه آسان‌تر بگیرد تا افراد بتوانند و کلائی که خودشان می‌دانند را بگیرند. ما و کلائی زیادی داریم قوه قضاییه باید اجازه دهد اینجا یک مقدار تعداد و کلا بیشتر باشند تا خانواده‌ها تحت فشار قرار نگیرند. به نظر می‌رسد باید اجازه دهند و کلائی بیشتری به جز بحث تبصره ماده ۴۸ وسط بیایند تا قیمت و کلائی که بالا رفته باز گردد.» انتقادات مطرح شده صرفاً محدود به انتداب وکیل مورد اعتماد دستگاه قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی یا حق الوکاله آنان نبوده، بلکه برخی از شعب دادگاه‌ها نیز با وجود صراحت قانون مبنی بر اینکه محدودیت انتخاب وکیل صرفاً در مرحله تحقیقات مقدماتی است، همچنان از پذیرش و کلائی انتخابی متهمان به پرونده در مرحله دادرسی امتناع ورزیده و بعضاً به دلیل اینکه وکیلی چندین پرونده در یک شعبه دارد، از پذیرش و کالت جدید او خودداری کردند. موضوعی که جعفر کوشاریس اتحادیه سراسری کانون‌های و کلا آن را تأیید و اعلام کرد که «برخی و کلا با چنین مساله‌های مواجهه و مانع بر اساس وظیفه و به جهت رسیدگی به آن، موضوع را بر ریس قوه قضاییه گزارش کرده‌ایم.» بی‌توجهی برخی از شعب دادگاه در پذیرش و کلائی مورد اعتماد متهمان و اصرار بر انتخاب و کلائی مورد تأیید دستگاه قضایی موجب شد مرکز رسانه قوه قضاییه در این ارتباط با حجت‌الاسلام مصدق معاون اول قوه قضاییه گفت‌وگو کند. این مقام ارشد دستگاه قضایی حق دسترسی به وکیل مطابق اصل ۳۵ قانون اساسی را از حقوق اساسی افراد بر شمرده و اعلام کرد «تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است و باید به صورت استثنایی و مضیق اعمال و تفسیر شود و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به مرحله دادگاه یا تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی یا اجرای احکام تسری داد و در این مراحل، افراد حق دارند وکیل تعیینی خود را انتخاب کنند.» او همچنین در اظهار نظر دیگری در خصوص محدود بودن و کلائی مورد اعتماد قوه قضاییه تأکید کرد که «قوه قضاییه به هیچ عنوان به دنبال ایجاد انحصار در خصوص دفاع از حقوق مردم نیست و از کانون‌های و کلا و مرکز و کلائی قوه قضاییه در خواست داریم، افرادی را که مورد تأیید خودشان هستند را به عنوان و کلائی مشمول تبصره مذکور معرفی کنند تا آنها را به عنوان وکیل مشمول تبصره مذکور اعلام نماییم.» پیش‌نهادی که در گذشته نیز مطرح اما مسوولان اتحادیه سراسری کانون‌های و کلائی دادگستری و روسای برخی از کانون‌های و کلائی دادگستری بارها آن را رد کرده و بیان می‌کنند که اجازه نداریم در مسیر تضییع حق دسترسی به وکیل، خود را همراه کنندگان آن باشیم. با توجه به اینکه یکی از اهداف نویسندگان قانون اساسی از تدوین اصل ۳۵ قانون اساسی ایجاد بستر لازم برای رسیدن به عدالت است، بدون شک اقداماتی که مانع از تحقق آن می‌شود، نقض غرض است و بهتر است سران قوا به فراخور مسوولیتی که بر عهده دارند، در جهت حذف تبصره ماده ۴۸ که از موانع دسترسی به عدالت محسوب می‌شود، اقدام کنند.

خواستند لیست بدهند. گفتم اشتباه اول تصویب این تبصره بود و اشتباه دوم هم این لیست است، اما لیست تنظیم شد. امروز همه معتقدند طبق پیش‌بینی‌ها رانتی ایجاد شده است که نه برای وکالت نه برای قضاوت خوب نیست. وقتی آقای ریسی ریاست قوه را پذیرفتند از من خواستند سریع تر در مورد تبصره ماده ۴۸ اقدام کنم و در جلسات متعدد مجلس حضور داشتم.» با محرز شدن معایب و مشکلات تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و اذعان مسوولان عالی قضایی بر لزوم اصلاح مجدد و حذف این ماده از قانون، لایحه‌ای به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دهم ارسال شد. بنا به گفته حجت‌الاسلام نوروزی، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دهم پس از بحث و بررسی در کمیسیون در نهایت مقرر شد، «در جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم و جرایم اقتصادی با موضوع جرم ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، حداکثر به مدت ۲۰ روز می‌توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می‌شود. همچنین متهم خودش باید تقاضای وکیل کند و وکیل نیز باید رعایت محرمانه بودن را لحاظ کند.» با وجود تصویب اصلاحیه تبصره ماده ۴۸ در کمیسیون حقوقی و قضایی، عمر مجلس دهم اجازه نداد که این مساله به صحن آمده و با موافقت نمایندگان مجلس به قانون اضافه شود. حوادث اخیر و بازداشت تعداد زیادی از معترضان، سنگ محک جدیدی برای عیان شدن دوباره معایب و مشکلات تبصره ماده ۴۸ بود. زمانی که خانواده‌ها برای پیگیری وضعیت بازداشتی خود به و کلائی دادگستری مراجعه کردند، تبصره ماده ۴۸ مانع از آن بود که وکالت فرزندان شان را به و کلائی مورد اعتماد خود بسپارند، چراکه بسیاری از آنها از اینکه طبق قانون در پرونده‌های امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی صرفاً می‌توانند از و کلائی مورد تأیید دستگاه قضایی وکیل انتخاب کنند، بی‌اطلاع بودند. زمانی هم که سا پرس و جوهای فراوان به لیست و کلائی مورد اعتماد دستگاه قضایی دست یافتند، نوبت برخی از آن و کلا بود که با اعلام حق الوکاله‌های سنگین یا عدم دفاع مناسب از موکل، بر نگرانی‌های متهمان و خانواده‌های آنها بیفزایند و این تردیدها نسبت به اینکه متهمان دسترسی به دادرسی منصفانه و حق دفاع کامل را دارند، توجه افکار عمومی را بر لزوم اصلاح تبصره ماده ۴۸ معطوف کرد. جعفر کوشا، رییس اتحادیه سراسری کانون‌های و کلائی دادگستری ایران در اواخر مهر ماه سال جاری در نامه‌ای خطاب به سران قوا اعلام کرد «به‌محاق رفتن حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی تا عینیت نیافتن حق دفاع بدون تشویش متهم در فرآیند دادرسی کیفری در غیاب وکیل مورد اعتماد و منتخب، در کنار ایجاد رانت و تبعیض و تعارض منافع و رویه‌های بازگونی برخی از محاکم در پذیرش و کلائی خاص که تبعات مالی ناشایسته‌ای را در پی داشته زمینه نقض موازین دادرسی منصفانه را فراهم کرده است. چنانچه در وقایع اخیر اعتراضات شهروندان، موانع دسترسی به وکیل منتخب ناراضی‌های قابل توجهی را ایجاد کرده است. علی‌رغم تأکید سران، روسای قوا و مسوولان مبنی بر مرزبندی معترض از اغتشاشگر، در عمل منتقد و معترض در دسترسی به وکیل منتخب با مانع مواجه شده‌اند و



نعمت احمدی، حقوقدان و وکیل دادگستری:

قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دخالت‌ها را رسمی و قانونی کرد



عباس طهماسبی زاده
روزنامه‌نگار

نعمت احمدی از وکلای با سابقه‌ای است که به دلیل ارتباط با برخی از سیاسیون و مسوولان در حد توان برای اعتدالی نهاد و کالت کوشیده است. او به مناسبت هفتم اسفند (روز وکیل) به بررسی فراز و فرودهای نهاد و کالت در سال‌های گذشته پرداخت و معتقد است که با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت، دخالت‌ها در این نهاد مستقل رسمی و قانونی شد و اکنون نیز اراده‌ای که در جهت نابودی کانون‌ها وجود دارد، قوی‌تر از اراده اصلاح آن است لذا اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران می‌بایست با استفاده از ظرفیت کانون‌ها در جهت تصویب لوایح مناسب از طریق نمایندگان مجلس اقدام کند.

بر خلاف تصویری که از سوی برخی رسانه‌ها در مورد جامعه و کلا منتشر می‌شود، در حوادث اخیر شاهد بودیم که مردم نگاه مثبتی به جامعه و کالت داشتند. نظر شما در این رابطه چیست؟

متأسفانه گاهی اوقات در تبلیغات رسمی سعی شده چهره نامطلوبی از وکیل به جامعه منعکس کنند اما مردم نگاه منفی جدی به جامعه و کلا ندارند و می‌دانند که اگر حقی از آنها تضييع شود، می‌توانند با مراجعه به وکلای حقوق خود دفاع کنند. از سوی دیگر اگر نهاد و کالت خودش به‌ذات قوی باشد و در برخوردی که با وکلای می‌شود به عنوان حامی آنها بوده و خود متعرض جامعه و کالت نشود و در جایگاه تخریب خودش بر نیاید، یک نهاد قدرتمند است.

زمانی که طرح جامع و کالت در دولت آقای حسن روحانی مطرح بود، از مرحوم آقای هاشمی‌فسنجانی وقت گرفتیم و با اعضای هیات‌مدیره کانون وکلای یعنی آقایان مالکی، امینی و دیگران نزد ایشان رفتیم و گفتیم اگر نهاد و کالت با شخصیت وکیل آسیب ببیند، بدون شک مردم و جامعه آسیب خواهند دید و جامعه از یک نهاد اجتماعی که باید حمایتش کند خودش او را تخریب کرده است. گفتیم در منطقه خاورمیانه دو حادثه رخ داده که یکی در پی «بهار عربی»، آقای حسینی مبارک را خلع کردند و بازداشت شد و در دومی نیز در پی شیطنتهای صدام، امریکایی‌ها به عراق حمله و صدام را بازداشت کردند. برای هر دو دادگاه تشکیل دادند و به آقای مبارک گفتند می‌تواند وکیل انتخاب کند. نهاد و کالت در مصر قدرتمندترین نهاد اجتماعی است. حسینی مبارک فردی را به عنوان وکیل معرفی کرد و با دفاعی که از سوی وکلای او صورت گرفت، در نهایت حکم به تبرئه مبارک صادر و او از زندان آزاد شد. به صدام هم گفتند برای خودت وکیل انتخاب کن ولیستی جلوی او گذاشتند که گفت اینها که وکیل نیستند. رئیس دادگاه به او گفت این افراد با امضای خودت وکیل شدند و ۲۸ سال است که تا بید این وکلای را دیدیم و صدام هیچ کدام از آنها را قبول نداشت که در نهایت خروجی چیست؟ گفتیم منظوری نداریم. به باور من کانون و کلا بنا به دلایلی که رخ داده به یک نهاد منفعل تبدیل شده است و تنها حرکتی که بخواهد انجام دهد این است که خود را حفظ کند تا نیفتد اما از نظر من افتاده است؛ یعنی کانون الان آنی نیست که قوانین موجود از آن تعریف می‌کنند. کانون برابر ماده یک لایحه استقلال کانون‌ها تعریفی دارد و می‌گوید مجموعه‌ای است غیر وابسته و مستقل که در واقع نیست.

چه عواملی موجب دور شدن نهاد و کالت از جایگاه اصلی خود شد؟

یکی از این عوامل فراموش شدن عقلانیت در مدیریت بود. پیش از انقلاب، تا مدت‌ها فقط دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دانشجوی حقوق پذیرش می‌کرد و بعد از آن با تاسیس دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) که پولی بود، بر تعداد دانشجویان حقوق افزوده شد. وقتی انقلاب شد روحانیت بر این باور بود که در دوره ۵۷ ساله پهلوی حق روحانیت نادیده گرفته شده چرا که حق قضا از اختصاصات روحانیت است و قبل از رضا شاه هم همین بود. در زمان مشروطه که محاکم را تشکیل دادند، دیگر امکان این نبود که این منصبی که در اختیار روحانیون بود از آنها پس گرفته شود لذا مرحوم مدرس و دیگرانی کمک کردند و دو دادگاه تشکیل دادند که یکی همین دادگاه‌های عرفی است که داریم و ضمانت اجرای احکام آنها با دولت بود.

اما در دادگاه‌های شرعی که فلان روحانی حضور داشت، می‌بایست پس از صدور حکم، خود آن را اجرا کند و چون ضمانت اجرای قوی نداشت، مردم دیگر به آنها مراجعه نکردند. بعد از آن و کالت آمد و اولین بار مشیرالدوله پیرنیا، کانون وکلای تاسیس کرد و بعدها مرحوم داور آمد و تشکیلاتی به نام کانون وکلای ایجاد کرد که زیر نظر وزارت دادگستری بود و امروزه بعد از ۹۰ سال، سر جای اول برگشتیم و به جای اینکه طی این مدت رشد کنیم و به کانون وکلای مثل کانون وکلای مصر برسیم که بتواند به مجلس لایحه بدهد، داریم به دوره اولین نهادی که آقای داور در سال ۱۳۱۹ تعیین کرد، برمی‌گردیم.

چه اتفاقی برای خود کانون و کلا رخ داد؟

به گواه تاریخ، انتخابات هیات‌مدیره کانون و کلا در سال ۱۳۵۶ نخستین حرکت انقلابی، جمعی و مستقل در یک جامعه بحران زده بود. هر چند در دوره‌های قبل از آن تاریخ هم انتخابات هیات‌مدیره کانون توسط خود جامعه و کلا برگزار می‌شد، اما تکلیفی بود و افرادی انتخاب می‌شدند که صرفاً باید انتخاب می‌شدند و افراد دیگر عموماً شرکت نمی‌کردند اما در انتخابات سال ۱۳۵۶ افراد خاصی مثل آقای حسن نریزه، آقای لاهیجی، آقای دامغانی و آقای اردلان که استخوان داران نهاد و کالت بودند شرکت کرده و عضو هیات‌مدیره کانون شدند تا اینکه در سال ۱۳۶۰ بازداشت شدند.

از آن زمان تا سال ۱۳۷۶ یعنی ۱۶ سال، لایحه استقلال کانون و کلا خاک خورد و طی این مدت دو دانشکده حقوق که هزار دانشکده حقوق تبدیل شد و دانش‌آموزان بسیاری از آن بیرون آمدند و دستورات عملی نیز برای انتخاب وکیل نداشتیم و مسوولان وقت کانون به هر کسی که می‌خواستند پروانه و کالت می‌دادند. در سال ۱۳۷۶ قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت تصویب شد. تا اینجا دخالت‌ها غیر قانونی اما الزامی بود و از اینجا دخالت‌ها رسمی و قانونی شد. ماده چهار قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت برای اولین بار اجازه برگزاری آزمون داد اما تعداد را به عهده یک هیات سه نفره گذاشت که فقط یک عضو کانون بود و دو عضو دیگر رئیس دادگستری و رئیس دادگاه انقلاب بودند.

در اینجایی خواهیم عیب‌راز مسوولان وقت کانون بدانم که زمان رانشناخته و به نوعی تمکین کرده یا مسیر را طوری تعیین کردند که وکیل کم‌انتخاب شود. در واقع آنها باید با توجه به انباشت فارغ‌التحصیلان حقوق، بر لزوم و ضرورت افزایش تعداد جذب وکیل تأکید می‌کردند نه اینکه بپذیرند سالی ۳۵ نفر کارآموز و کالت جذب شود. از این رو در زمان تصویب قانون سوم توسعه در سال ۱۳۷۹، برابر ماده ۱۸۷ آن به قوه قضائیه اجازه داده شد برای تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی، به فارغ‌التحصیلان رشته حقوق مجوز تأسیس موسسات مشاوره حقوقی بدهد و حضور این مشاوران در محاکم دادگستری برای انجام امور و کالت نیز مجاز باشد. با اجرای شدن این مصوبه و کلا دو گروه شدند، یکی وکلای کانون و دیگری وکلای مرکز



مشاوران. با توجه به اتفاقاتی که رخ داد کانون وکلای دادگستری دچار روزمرگی شد. با پشت کردن به مرکز مشاوران که مشکلی حل نمی‌شود چرا که آنها با قدرت و ظرفیتی که دارند در حال تدوین قانون برای ما هستند که نمونه آن آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا مصوب سال ۱۴۰۰ است.

تعامل با نهاد موازی باعث نمی‌شود استقلال کانون زیر سوال برود؟

استقلال دیگر وجود ندارد.

چه کار کنیم تا استقلال بر گردد؟

تأراده حاکمیت نباشد نمی‌توان استقلال را بر گرداند.

مرحوم داور استقلال کانون وکلای را رسمیت بخشید تا در مقابل حاکمیت استقلال داشته باشند. حرف شما با فلسفه وجودی استقلال کانون متناقض است.

اصلاً در مقابل حاکمیت نبود.

می‌خواست از حقوق ملت در برابر اراده حاکمیت دفاع کند.

نه، می‌خواست بال دفاع تقویت شود که قاضی نتواند از قوانین تخطی کند.

وقتی می‌گویید در بیس قوه قضائیه بر وند و بگویند شما چه امر می‌کنید تا آن را انجام دهیم باعث می‌شود بال هاضعیف شود.

نه، می‌گوییم با این کیفیت نمی‌شود نهاد و کالت را اداره یا از وکیل حمایت کرد.

پس به زعم شما یکی از اشکالات موجود نهاد و کالت عدم ارتباط مناسب با نهادهای حاکمیتی است؟

معتقدم باید از ظرفیت‌های موجود قانون برای اعتدالی نهاد و کالت استفاده کرد. اولین کاری هم که باید انجام داد دیدار و مذاکره با رئیس قوه قضائیه است. طبق قانون لایحه استقلال، رئیس کانون و کلا هم‌ردیف دادستان کل کشور است و باید از این ظرفیت استفاده کرد.

با توجه به این جایگاه، پس چرا شاهدیم که بعضاً بر خورد شایسته‌ای با وکلانمی‌شود؟ ضعف‌ها چیست؟

زمانی که ما برای بحث حقوقی وارد دادگاه‌های شدیم، روحانیون چون فقه خوانده بودند، با ما بحث حقوقی نمی‌کردند. و کلا تا جایی بد عمل کردند و ظلم‌پذیر شدند که مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۳ به دلیل اینکه آنقدر آش شور شد و کانون منفعل بود، قانونی تصویب کرد که وکلا هم‌طراز قضات هستند. در واقع آقای هاشمی در حق و کلا لطف کرد و گفت که وکلا، همان تأمینات شغلی بر خوردارند.

آیا به نظر شما الان هم از این تأمین‌ها بر خوردار هستند؟

نه، اما قانون آن که هست.

مسوولانی که اکنون در کانون‌های وکلای دادگستری صاحب منصب هستند باید چه کار کنند تا بتوانند این جایگاه را بر گردانند؟

به نظرم اراده‌ای که در جهت نابودی کانون‌ها وجود دارد، قوی‌تر از اراده اصلاح آن است. این همه توانمندی، کلی کانون و کلا، نماینده در مجلس و ارتباط با نمایندگان مجلس در شهرستان‌ها داریم اما چرا نتوانسته‌ایم یک لایحه خوب را برای وکلا تصویب کنیم؟ ما حتی قدرت چانه‌زنی با نمایندگان مجلس استان‌های مان را هم نداشتیم. الان وظیفه اسکودا به عنوان هماهنگ‌کننده کانون‌ها این است که آنها را جمع و برای بقای شان از اهرمی که دارند یعنی نمایندگان مجلس استفاده کنند و از آنها بخواهند لوایح متناسبی داده شود.

در ماجراهای اخیر کشور، برخی از وکلای بازداشت شدند، این آسیب بیشتر متوجه چه نهادی است؟

قوه قضائیه. همه این موارد باید به رئیس قوه قضائیه منعکس شود. اگر قوه قضائیه نتواند از ترکیز بعضی از قضاتش جلوگیری کند باعث ضعف نهاد قضائیتی می‌شود.

آقای کوشار رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران می‌گوید این موارد را جهت بررسی به رئیس قوه قضائیه اطلاع داده‌ایم.

این موارد باید به صورت رسمی به مردم منعکس و منتقل شود تا بتوانند فقط جهت اطلاع نیست و جهت انتشار به عموم مردم هم هست.

برای بهتر شدن شرایط جامعه و کالت چه باید کرد؟

یکی از پیشنهادها این است که وکالت مانند همه دنیا در بخش‌های زیادی از امورات جاری، اجباری شود و دوم اینکه قوانین باید اجرا شود. از سوی دیگر باید و کلا قدری جایگاه خود را با پایبندی به قانون و دفاع نکردن از ناحق حفظ کنند.

کانون و کلا، پاسدار شفافیت و نظارت بر حکمرانی



محمدرضا نظری نژاد

رییس سابق کانون وکلای دادگستری گیلان

حکومت قانون در پی آن است که نهاد قدرت، تحت کنترل و مقید به خواست اجتماعی باشد. رعایت خواست اجتماعی و پرهیز از خودسری نهاد قدرت، ملازمه با تضمین حقوق و آزادی‌های فردی، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی دارد. حاکمیت قانون با اهداف پیش گفته، در گرو پیش شرط‌هایی است از جمله تفکیک قوا و توزیع قدرت، انتخابی بودن سمت‌ها و موقتی بودن آنها، انتخابات آزاد و مهم‌تر از همه، استقلال قضایی. استقلال نهاد و کالت‌شاید تکمیل‌کننده استقلال قضایی باشد که از مهم‌ترین مولفه‌های حاکمیت قانون است. جدای از آن، در جهان امروز شفافیت یکی از مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب است. در راستای شفافیت است که رشد و گسترش نهادهای مدنی، آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و غیره توصیه می‌شود. نهاد مدنی به نام کانون وکلای دادگستری از این منظر، می‌تواند پاسدار شفافیت و نظارت بر حکمرانی باشد. تخصص جامعه حقوقی، نیز از منظر حقوق عامه شایسته توجه است. بخش بزرگی از موفقیت نظام حکمرانی به وجود نظام حقوقی مترقی معطوف است. آسیب‌شناسی نظام حقوقی موجود و پیشنهاد تدوین قوانین مناسب را باید از جامعه و کالت انتظار داشت که سرمایه انسانی این کشور به حساب می‌آیند. به تصویر کشیدن مسوولیت اجتماعی نهاد و کالت، اولاً مشروط به آن است که در کی از مسائل اجتماعی برای جامعه و کالت موجود باشد. تا حد بسیار به جهت نظام آموزش علم حقوق در ایران، فارغ‌التحصیلان حقوق، نگاه تکنیکی و تفسیری به علم حقوق داشته‌اند و از توجه به مبانی و اهداف نظام حقوقی بی‌اطلاع هستند. همین ناآگاهی در سطح بزرگ‌تر و در جامعه و کالت دیده می‌شود که مشکلات خود را منتزع از مشکلات اجتماعی و سیاسی حاکم پنداشته و از این‌رو بیشتر تحلیل‌هایی که در جامعه و کالت با آن روبرو هستیم تحلیل‌هایی ابتدایی و نه مبنایی است. به‌طور مثال به جای آنکه استقلال نهاد و کالت ذیل حاکمیت قانون مطرح شود، اعتراض به تصمیمات موردی پرنرنگ‌تر مطرح می‌شود و گاه احساس می‌گردد رفتن به همان راهی است که نهاد قدرت تمایل دارد. استقلال نهاد و کالت در جامعه‌ما از این منظر در معرض مخاطره است که در کی از حاکمیت قانون وجود ندارد یا تمایلی به حاکمیت قانون نیست. از این‌رو جامعه حقوقی باید در پاید که مشکل، صرفاً تلاش سازمان یافته بر تضعیف کانون وکلای مستقل نیست بلکه مشکل در بحث حاکمیت قانون است که در راستای توجه به آن باید سطح تحلیل را از مسائل و کالت فراتر برد و فراتر دید. ثانیاً، توجه نهاد و کالت به رسانه در شرایط فعلی و در دنیایی که اقسام وسایل ارتباطی را پیش‌رو گذاشته، ضرورتی است انکارناپذیر و این مهم در گرو بهره‌گیری از متخصصین و اختصاص منابع مالی است که متاسفانه نهاد و کالت از این حیث ضعف بنیادین دارد. در دنیای امروز می‌بینیم که یک فرد تا چه اندازه با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی توان تأثیرگذاری در سطح عمومی را دارد. سرمایه انسانی جامعه و کالت جز با بهره‌گیری از سامانه‌های ارتباطی و رسانه‌ای توان تأثیرگذاری چندانی نخواهد داشت. البته بهره‌گیری از رسانه با رعایت شرط پیش گفته مبنی بر گسترش و وسعت دید، مفید خواهد بود و نه صرفاً بیان مشکلات جامعه و کالت و سوت‌زدانه گریستن و نالیدن! دادرسی منصفانه متکی است به گزاره‌های حقوق بشری. کانون توجه این‌اندیشه‌ها، انسان و حقوق انسانی او است. متهم هم انسانی است که در دعوی نهاد قدرت علیه خویش، نیازمند مساعدت حقوقی است تا تساوای سلاح‌ها که تا حدی محقق و زمینه اجرای عدالت فراهم شود. البته توجه بیش از اندازه به نقش وکیل در دادرسی منصفانه، خود مشروط بر ساز و کارهای پیشینی است از جمله نظام حقوقی مترقی، نظام قضایی مستقل و مسائل دیگر. بنابراین وقتی از نقش وکیل در دادرسی منصفانه صحبت می‌کنیم باید حواسمان باشد که در چه ساحت و گفتگویی، صحبت می‌کنیم. توجه به ساحت بحث، نگاه انتقادی را در ما زنده نگاه می‌دارد تا با آسیب‌شناسی قوانین، گذر از وضع موجود به وضع مطلوب را شاهد باشیم. به‌طور مثال وجود وکیل تسخیری در پرونده‌هایی که مجازات اعدام یا حبس ابد دارد، یک الزام حقوق بشری است، اما در جامعه‌ای که برای اقسام جرایم مواد مخدر با محاسبه عددی، مجازات اعدام یا حبس ابد پیش‌بینی شده است، آیا دخالت وکیل، کمکی به عدالت می‌کند یا صرفاً تشریفات مجازات اعدام را محقق می‌سازد؟!

به یاد سید محمد هاشمی، شاپور منوچهری و غلامعلی ریاحی

مدنیت و مسوولیت اجتماعی دو شاخصه پرچمداران عدالت



فرشاد گلزاری

روزنامه‌نگار

جامعه حقوقی و نهاد و کالت که امروز در عرصه تئوری و عمل به عنوان درختی تنوار از آن یاد می‌شود، بدون شک از روز نخست تا به این حد و درجه پویا نبوده و زحمات زیادی برای آن کشیده شده است. آنچه امروز وکلای دادگستری از آن به عنوان نهاد و کالت یاد می‌کنند، حاصل مجاهدت اساتید و چهره‌های صنفی و علمی است که در طول دهه‌های گذشته به هر طریقی سعی کرده‌اند تا واژه «استقلال» را در بالاترین مرتبه صرف و نحو کنند تا در انتها نهادی مستقل با نام کانون وکلای و شکل بگیرد. بدیهی است در این راه موانعی وجود داشته و دارد که به ناملازمتی‌ها کشیده شد و برخی از این اساتید را ناچار به گوشه‌نشینی کرد، اما باز هم این گوه‌ران‌گرانه‌های عالم حق و عدالت از پا نشستند. در زمانه کنونی آنچه باعث می‌شود نام این پیش‌قراولان عرصه حق و عدالت بیش از هر زمان دیگر بر سر زبان‌ها بیفتد و اقداماتشان چند باره و چند باره مرور شود، عدالتخواهی و پذیرش مسوولیت اجتماعی ایشان است. قدمای و کالت بر این نظر بوده‌اند که این عرصه صرفاً به نوشتن چند لایحه و کنشگری علمی و صنفی ختم نمی‌شود، بلکه آنچه یک وکیل را زنده نگه می‌دارد و می‌تواند در این مسیر عدل و داد را تکثیر کند، رسالت اجتماعی او است. اگر به رفتار و منش اساتید حقوق که عمدتاً دای و کالت راهم بر تن داشتند نگاهی گذرا بیندازیم، به وضوح می‌بینیم که ایشان کنشگری مدنی و مسوولیت اجتماعی را در صدر اقدامات خود قرار داده بودند تا به همگان بیاموزند که وکلا قدرت خود را از مردم و افکار عمومی کسب می‌کنند. به همین دلیل با وجود اینکه برخی از این بزرگان، حالا و با فرا رسیدن هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلای در جمع ما حضور ندارند، اما نامشان هنوز به عنوان پرچمداران این مسیر در عالم حقوق می‌درخشد. این مهم بدان جهت مورد اشاره قرار گرفت که متاسفانه در سال ۱۴۰۱ سه تن از بهترین‌های عالم حقوق و به خصوص نهاد و کالت که سعی و تلاششان بر گسترش مدنیت و کنشگری اجتماعی بود چهره در نقاب خاک کشیدند و برای همیشه ما را ترک کردند.

سید محمد هاشمی: معمار حقوق عمومی ایران

کمتر از سه هفته پیش (۲۱ بهمن ماه) خبر آمد که استاد سید محمد هاشمی دعوت حق را الیک گفتند و آسمانی شدند که بدون شک فوت ایشان خسارت جبران‌ناپذیری به جامعه حقوقی کشور است. دلیل این امر هم تخصص ایشان در رشته حقوق عمومی بود. زمانی که آثار ایشان را تورق می‌کنید به این نتیجه می‌رسیم که مرحوم هاشمی به دلیل تحصیل در فرانسه که مهد حقوق به حساب می‌آید، سیگنال‌هایی را از آن جامعه دریافت کرده که بعدها در نوشتار ایشان واضح است. پیام‌هایی که بعدها در نوشتار و گفتار ایشان با محوریت حقوق اساسی و حقوق بشر خودنمایی می‌کنند و به نوعی به همه گوشزد می‌کنند که «حقوق بشر بدون ضمانت و پشتوانه قوی تحقق‌پذیر نیست و قاعده‌گذاری‌های قانون اساسی باید زمینه تثبیت و تضمین حقوق ملت را هموار و راه را بر تعرض و تضعیف حقوق ملت مسدود کند.» اشراف و تخصصی که ایشان در حقوق عمومی

و زیرشاخه‌های آن داشت، همانا این استاد عزیز را در زمره مراجع و کسانی قرار داد که برای پیدا کردن پاسخ سوال‌ها راهی نبود جز رجوع به ایشان و به همین دلیل است که درگذشت سید محمد هاشمی را باید ضربه‌ای سنگین به حقوق عمومی دانست. بسیاری از وکلا و علمای علم حقوق ایشان را میدان‌دار عرصه حقوق بشر می‌دانند؛ چرا که در کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز و کمیسیون حقوق بشر اسلامی اهمی‌کم نظیر داشتند و در تدوین منشور حقوق شهروندی نیز پیشگام و اثر بخش بودند.

شاپور منوچهری: وکیل اما اهل ذوق و هنر

از دیگر وکلای محبوب و مشهوری که همگان ایشان را به حسن خلق می‌شناسند ولی متاسفانه در ۱۷ مرداد سال جاری فوت شدند، می‌توان به جناب شاپور منوچهری اشاره کرد. آنان که ایشان را از نزدیک دیده بودند یا سال‌های متعددی با وی رفت و آمد داشتند بر این عنصر تاکید می‌کردند که مرحوم منوچهری صرفاً یک وکیل یا حقوقدان نبود. در کارنامه او ریاست بخش آموزش کتابداری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چشم می‌خورد که گویای عشق ایشان به ادبیات است. علاوه بر ادبیات، کندوکاو مرحوم منوچهری در عالم فلسفه، موسیقی، جامعه‌شناسی و... به خوبی گویای موضوع صدرالذکر است: «حقوق پیچیده است و باید بر خیلی از میان‌شاخه‌های علمی اشراف داشت.» بی‌شک جای شخصی مانند شاپور منوچهری که صرفاً فردیت را در حاشیه و مدنیت را به متن کشانده بود برای همه ما خالی خواهد بود؛ چرا که به گواه اسناد، ایشان در دوره‌های ۲۴، ۲۵ و ۲۷ به عنوان عضو هیات‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز سعی داشتند تا بتوانند در نهاد و کالت کثرت‌گرایی را عملیاتی کنند، نه فردگرایی. مرحوم منوچهری دقیقاً از همان دسته وکلایی بودند که بر ایفای نقش مسوولیت اجتماعی تاکید داشتند و به نوعی این موضوع را قوام و دوام جامعه و کلا و نهاد و کالت می‌دانستند.

غلامعلی ریاحی: وکیل پرونده‌های خاص

اغلب وکلای پس از آنکه ردای و کالت را بر تن می‌کنند، دوست دارند در پرونده‌های اعلام و کالت کنند که یک‌باره نامشان همه جا بر سر زبان‌ها بیفتد. مرحوم غلامعلی ریاحی در ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ از میان ما به دیار باقی شتافت. او علاوه بر آنکه در پرونده موسوم به «فساد سه هزار میلیارد تومانی» و کالت «مه‌آفرید امیر خسروی» را بر عهده داشت، در برخی دیگر از پرونده‌های چهره‌های سیاسی مانند فائزه هاشمی، سعید حجازیان، پرونده فوکر ۲۸ اصفهان و پرونده روزنامه‌نگاران و مطبوعات اعلام و کالت کرده بود. وکلایی که در پرونده‌های این چنینی اعلام و کالت کرده‌اند به خوبی می‌دانند که خطرات و صدمات زیادی در این گونه پرونده‌ها وجود دارد و به همین دلیل برخی‌ها از این دسته پرونده‌ها دوری می‌کنند. طبیعتاً اعلام و کالت در این پرونده‌ها از منظر عوام می‌تواند عایدی مالی خوبی برای آنها داشته باشد، اما موضوع این است که هیچ‌کس به غیر از خود ایشان و سایر وکلای نمی‌دانستند و نمی‌دانند که قبول چنین دعاوی آثار منفی صنفی هم به دنبال دارد. یکی از این آثار عدم تأیید صلاحیت برای شرکت در انتخابات کانون‌های و کلاست که به هر حال دامنگیر بسیاری از وکلای ایشان هم بود!

روح هر سه تن فرین رحمت باد.



نگاهی به تاریخچه استقلال کانون و کلا



معصومه طهماسبی زاده
حقوقدان و وکیل دادگستری

در باب نخستین جنبش بزرگ توده‌های ملت ایران در عصر مدرن، یعنی «جنبش مشروطه»، طبعاً گزارش‌ها، تفاسیر و تحلیل‌های بسیاری منتشر شده و در این باب که این واقعه مهم و برجسته تاریخ معاصر ایران، آیدر تحقق اهداف خود موفق بود یا در کلیت به شکست انجامید، بحث‌های دامنه‌داری از همان مقطع تا به امروز بین تاریخ‌پژوهان و اهل فن جریان داشته است. اما از هر زاویه‌ای به بیرون داده‌ها و نتایج مشروطه بنگریم، در یک مساله نمی‌توان تردید داشت که ایران پسامشروطه، به هیچ‌روی ایران پیش از آن نبود. به واقع، مشروطه یک نقطه‌عطف و معبری برای پوست‌اندازی جامعه ایران برای ورود به عصر مدرن بود. از این رو، حتی بازگشت دیکتاتوری نظامی و حاکم شدن نوعی رادیکال از بناچار تیسیم در هیات رضاخان هم مسیر این پوست‌اندازی و تحولات عمیق در هویت ایرانی را معکوس نکرد، چرا که وقتی جامعه‌ای به سطحی از آگاهی می‌رسد، دیگر نمی‌توان آن آگاهی را معکوس کرد. یکی از مصادیق این آگاهی، تحول در مفهوم «اعت» و تبدیل آن به «شهرت» بود. به واقع، قانون اساسی مشروطه نقطه‌عطفی در تغییر جایگاه مردم ایران از رعیت به شهروند بود. تا پیش از آن، مردم ایران همگی رعایای شاه، به عنوان حاکم بلامنازع ایران بودند؛ در حالی که پس از تصویب قانون اساسی مشروطه، به یک باره جایگاه مردم به شهروند تغییر کرد. قطعاً این راه، به سادگی طی نشد و کسانی با خون خود، کسانی با هموار کردن راه حبس و آزار و مجازات بر خود و کسانی با علم و معرفت خویش، این نهال را کاشتند، آبیاری کردند و به بار نشاندند. در داستان تبدیل حقوق عامه به یک میثاق عمومی، یعنی «قانون»، نام و کارنامه شماری از چهره‌ها، به طرز آشکار، برجسته و متمایز است. بلا تردید، یکی از این چهره‌ها «حسن پیرنیا» است. حسن پیرنیا (مشیرالدوله) (متولد ۱۲۵۲ - درگذشته ۱۳۱۴ ش) حقوقدان، نویسنده، مورخ و سیاستمدار ایرانی بود که در مقطعی حساس از تاریخ معاصر ایران، که مقارن با همان «پوست‌اندازی» مورد اشاره هم هست، مسوولیت‌های مهمی چون وزارت خارجه، نخست‌وزیری و نمایندگی مجلس را بر عهده داشت. لیکن، مهم‌ترین دوران مسوولیت او، از لحاظ به جای گذاشتن آثار ماندگار در نحوه زیست انسان ایرانی در عصر تجدد، منصب وزارت دادگستری (عدلیه) بود. او در دوران صدارت اعظمی مشیرالسلطنه، ناصرالملک، سپهدار تنکابنی و صمصام‌السلطنه کرسی وزارت عدلیه را در کابینه در اختیار داشت و در همین دوران بود که شاکله و ساختار اصلی دادگستری، به مفهومی که امروز می‌شناسیم را پی‌ریزی و اجرا کرد. او حتی در موج دوم اصلاحات ساختار حقوقی در ایران در زمان علی اکبر داور، از مشاوران برجسته او محسوب می‌شد. نخستین اقدام مهم و بزرگ پیرنیا در تحول نظام حقوقی کشور و به ویژه آموزش علم حقوق، تاسیس مدرسه علوم سیاسی، با حمایت پدر و همکاری برادرش حسین، بود. او خود نخست استاد این مدرسه بود و آموزش رشته حقوق را شخصاً بر عهده داشت. مرحوم پیرنیا نه تنها اولین آموزگار حقوق به مفهوم مدرن در ایران بود، که اولین منابع مکتوب حقوق بین‌الملل را هم خود او نگاشت. اما گام بلند بعدی او، زمانی برداشته شد که با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی، نگارش «قانون اساسی مشروطه» کلید خورد. حسن پیرنیا، چهره اصلی در نگارش این قانون محسوب می‌شد. او زمانی که در ۱۲۸۹ شمسی، در کابینه سپهدار به وزارت عدلیه رسید، اصلاح عمیق و تحول در دستگاه عدلیه را آغاز کرد که از آن جمله تدوین قانون مجازات‌های عمومی بود. تدوین اولین قانون دادرسی مدنی موسوم به «اصول محاکمات حقوقی» (در کنار مرحوم حسن مدرس) و همچنین تدوین قانون «اصول تشکیلات عدلیه و محاضر» از دیگر اقدامات بنیادین پیرنیا در همان مقطع محسوب می‌شود. به واقع، او را می‌توان، بدون هیچ اغراقی، معمار دستگاه قضایی نوین در ایران دانست. نام مرحوم حسن پیرنیا، در همین دوران وزارت، با مساله بسیار مهم اساسی دیگری نیز گره خورد که همانا تشکیل مجمع و کلا و مبحث استقلال صنف و کالت در انجام وظایف و تعهدات بود. او در سال ۱۲۸۷ شمسی، «کمیسیون تنقیح قوانین» را تشکیل داد. وظیفه این کمیسیون، ترجمه قوانین خارجی و تهیه دستورالعمل‌های دادستانی یا به اصطلاح آن روزگار، «داره مدعی عمومی» تعیین شد. در همین روند، پیشه و کالت، که تا آن روز قید و شرط خاصی نداشت و همه می‌توانستند وارد این شغل شوند، مورد نظر کمیسیون تنقیح قوانین قرار گرفت و بحث «صلاحیت» افراد برای ورود به عرصه و کالت داشتن برخی معیارهای علمی و اخلاقی برای این کار به صورت جدی مطرح شد. در آبان ۱۲۸۸ شمسی، و ثوق‌الدوله که برای مدتی کوتاه جایگزین مشیرالدوله (حسن پیرنیا) در وزارت عدلیه شده بود،



ابلاغیه‌های صادر کرد: که بر اساس آن وکلایی که در آن زمان مبادرت به وکالت می‌کردند می‌بایست در امتحانی شرکت کرده و در صورت قبول شدن ادامه فعالیت دهند. پس از انتشار و ابلاغ این فرمان وزارتی، اولین اجتماعات و کلا در تهران تشکیل شد. عمده افرادی که در این اجتماعات شرکت می‌کردند ضمن طرح مسائل مبتلابه قضایی، به دستور وزیر عدلیه در رابطه با برگزاری امتحان برای احراز شرایط اشتغال به شغل و کالت، معترض بوده و اعلام کردند که وکلای عدلیه، کارمند دولت نیستند و عنوان استخدامی ندارند، لذا الزامی به متابعت از مقررات انتظامی وزارت نمی‌تواند باشد. به قانون هم نیست، ندارند و اصولاً تبعیت از نظامات مربوط به شغل و کالت، متوقف بر آن است که اجتماع و کلا به موجب قانون به رسمیت شناخته شود تا پس از آن با استقرار نظامات قانونی، اجتماع و کلا حفظ حقوق و حدود جامعه خود را از اولیاء امور بخواهد. در همین کشمکش‌ها، جدل‌ها و اعتراضات نسبت به صلاحیت داشتن وزارت عدلیه در گرفتن امتحان و تصدیق صلاحیت داوطلبان و کالت بود که کم‌کم شالوده یک تشکل صنفی یکپارچه برای دفاع از شؤون و کالت و حقوق و کلا شکل گرفت. چنین بود که اولین مجمع و کلا رسمی در کشور ایجاد شد و در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۰۰ شمسی مراتب تشکیل خود را نیز طی نامه‌ای به وزارت عدلیه اعلام کرد. این مجمع در روز دوشنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۰ به دعوت رئیس اداره امور قضایی در ساختمان وزارت عدلیه تشکیل شد و آقای شیخ علی‌اکبر اشتهاردی به عنوان رئیس سنی، عهده‌دار اداره جلسه شد و نهایتاً اعضای هیات‌مدیره مجمع، توسط وکلای حاضر انتخاب و نتیجتاً آقایان حکیم‌الهی، فاضل عراقی، آقامیرزا قوام‌الدین، نقیب‌زاده، شیخ جلال‌الدین میرزا ابوالفضل تهرانی به عنوان اعضای هیات‌مدیره و مجمع و کلا رسمی انتخاب شدند و آقای شیخ جلال‌الدین به عنوان رئیس و آقای نقیب‌زاده به عنوان نایب رئیس مسوولیت یافتند. با شروع به کار هیات‌مدیره مجمع و کلا رسمی، این هیات طی جلسات متوالی مبادرت به تنظیم نظامنامه‌های مشتمل بر ۲۵ ماده کرد که موضوع آن تشکیلات و کلا رسمی و مقررات انتظامی بود. این نظامنامه جهت تصویب به وزارت عدلیه پیشنهاد شد و در نهایت در تاریخ ۱۲ آذرماه سال ۱۳۰۰ تصویب آن توسط وزارت عدلیه اعلام شد و محلی در ساختمان تشکیلات قضایی وقت که در آن موقع معروف به حیاط ثبت و مشتمل بر پنج اتاق کوچک و بزرگ بود، به تقاضای هیات‌مدیره و موافقت وزارت عدلیه در اختیار مجمع و کلا رسمی قرار گرفت. با این حال، عمر این مجمع، چندان طولانی نبود و بعد از انقضای اعتبار یکساله هیات‌مدیره، عملاً فعالیت آن تعطیل شد. این وضع تا آبان ماه ۱۳۰۴ و انتقال حکومت از قاجار به پهلوی ادامه داشت تا اینکه در مرحوم علی‌اکبر خان داور به وزارت دادگستری رسید. مرحوم داور خود کارمند دستگاه عدلیه بود و از طرف عدلیه برای تکمیل تحصیلات و آشنایی با نظامات حقوقی مدرن به سوییس رفته بود. وی، با بازگشت به ایران، در شهریور ۱۳۰۰، تصدیق نامه و کالت گرفت. مرحوم داور در بهمن ماه ۱۳۰۵، از ضانشاه مجوز ویژه‌ای برای اصلاحات ساختاری جدید در دستگاه حقوقی کشور و اصطلاحاً ایجاد «نظام نوین عدلیه» دریافت کرد. اعتبار این مجوز، چهار ماهه بود و در خرداد ۱۳۰۶ اجرا شد. طبعاً یکی از حوزه‌های اصلی که برای ایجاد نظم و نسق و تحول، مورد توجه مرحوم داور قرار داشت، حوزه «وکالت» بود. او، ماده ۱۵۰ اصول تشکیلات عدلیه را برابر قانون حدود اختیارات خود اینگونه تصویب کرد:

«برای دادن اجازه‌نامه و کالت رسمی و موقت از تاریخ افتتاح عدلیه در مرکز به ترتیب زیر رفتار خواهد شد: وزارت عدلیه کمیسیونی از شش نفر در مرکز تعیین خواهد نمود. کمیسیون مزبور پس از اتیان سوگند از بین اشخاصی که دارای شغل و کالت هستند کسانی را که دارای اطلاعات کافی و صحت عمل تشخیص می‌دهد با رأی مخفی برای وکالت رسمی یا موقت تعیین و به وزیر عدلیه اطلاع می‌دهد. وزارت عدلیه به اشخاصی که لااقل چهار رأی صحت و اطلاعات آنها را تصدیق کرده باشد در صورتی که به آن اشخاص مطابق مواد ۱۳۱ و ۱۳۲ عمل نمایند اجازه خواهد داد. ماده ۱۵۰ را باید سنگ بنای استقلال کانون یا حداقل به رسمیت شناختن تممیات و کلا در خصوص همکاران خود دانست. جامعه و کالت هم، علی‌رغم مخالفت بعضی از وکلا،

شش نفر را به عنوان اعضاء کمیسیون تعیین و به وزارت عدلیه معرفی کرد. این شش نفر عبارت بودند از: جلال‌الدین نهاوندی، علی اصغر گرگانی، نقیب‌زاده مشایخ، احمد شریعت‌زاده، آقا سید هاشم و کیل و قوام‌الدین مجیدی. این هیات توانست در تیرماه ۱۳۰۹، علاوه بر کسب استقلال ضمنی، مقدمات تشکیل کانون و کلا را هم فراهم کند. امور مربوط به وکلا، زیر نظر اداره‌ای با عنوان «داره احصاییه امور قضایی وزارت عدلیه» قرار گرفت و سرپرست این اداره هم، فرزند حسن پیرنیا، یعنی مرحوم داود پیرنیا بود. در روز سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۰۹، کانون و کلا، رسماً، با حضور علی‌اکبر خان داور، تشکیل شد. در همین روز آقای شیخ جلال‌الدین نهاوندی به نمایندگی از وکلا، ریاست بر کانون و کلا را به مرحوم داور پیشنه‌داد کرد که مورد قبول مرحوم داور نیز قرار گرفت و بدین ترتیب، میرزا علی‌اکبر خان داور به عنوان اولین رئیس کانون و کلا انتخاب شد و با اصرار و کلا، آقای داوود پیرنیا نیز به عنوان نایب رئیس کانون و کلا انتخاب و معرفی شد. گرچه با مغضوب شدن مرحوم علی‌اکبر داور نزد رضاخان و انتحار او، تشکیلات تازه تاسیس کانون و کلا، حامی قدرتمندی را از دست داد و در دوران قدرت مطلقه رضاخان، نتوانست به جایگاه و آزادی عملی که می‌بایست برسد، اما عملاً و از نظر ساز و کارهای حقوقی، جایگاه کانون و کلا تثبیت شد. تصویب «قانون و کالت» در مجلس شورای ملی در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵، خود موید این واقعیت بود. به‌طور خاص، مواد ۲۰ و ۵۵ این قانون، در پیچه‌هایی را به روی «استقلال» کانون و کلا باز کرد که کم‌تر از ده دهه بعد، در زمان نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق، که خود تحصیل کرده حقوق در بالاترین سطوح در سوییس و یک آموزگار مورد احترام حقوق بود، نتیجه داد. دکتر مصدق به واسطه لایحه اختیارات که مورد تصویب مجلس قرار گرفت، در تاریخ ۷ اسفندماه ۱۳۳۱، لایحه استقلال کانون و کلا را در ۲۳ ماده تنظیم کرد و در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۳۱ لایحه استقلال کانون و کلا به کلیه محاکم کشور ابلاغ شد. یک هفته بعد، یعنی در تاریخ ۲۱ اسفند، هیات‌مدیره کانون و کلا، از طرف وکلای دادگستری انتخاب شدند. در همین جلسه، مرحوم سید هاشم و کیل، از وکلای خوش‌نام و میرزا دادگستری، به سمت اولین رئیس هیات‌مدیره کانون و کلا مستقل از دادگستری انتخاب شد و وزارت عدلیه دیگر در کار انتخاب کانون، صدور پروانه و تمدید آن دخالتی نداشت.

ویژه نامه هفتادمین سالروز استقلال کانون و کلا دادگستری ایران

با همکاری اتحادیه سراسری کانون‌های و کلا دادگستری ایران (اسکودا)

دبیر ویژه نامه:
عباس طهماسبی زاده
همکاران:

معصومه طهماسبی زاده، فریا ساعد کوچی
فرشاد گلزاری و پانید فاضلیان

ویژه نامه هفتادمین سالروز استقلال کانون و کلا دادگستری ایران (اسکودا)

دبیر ویژه نامه:
عباس طهماسبی زاده
همکاران:

معصومه طهماسبی زاده، فریا ساعد کوچی
فرشاد گلزاری و پانید فاضلیان

ویژه نامه «وکالت مردم» از سوی روابط عمومی اسکودا منتشر شد. برای دریافت این ویژه نامه به سایت scoda.org مراجعه کنید.